

## ۶. عظمت خداوند

در برنامه گذشته صحبت از کره زمین، ماه، ستارگان و آفتاب کردیم. این محاسبات با ما چه ربطی دارند؟ اگر سماوات آنقدر بزرگ است که گفته شد، خداوند به بشر ناچیز چه توجهی دارد؟ علوم و فلسفه در این باره بی توجه و بی ارزشند. ما محتاج به مکاشفه هستیم - مکاشفه ای در کار سازنده عظیم و مهربان. به امر دیگر اشعیا نبی میفرماید: «به آسمان نگاه کنید! کیست که همه این ستارگان را آفریده است؟ کسی که آنها را آفریده است از آنها مثل یک لشکر سان می بیند، تعدادشان را می داند و آنها را به نام میخواند. قدرت او آنقدر عظیم است که نمی گذارد هیچکدام از آنها گم شوند.» (اشعیا ۴۰:۲۶).

در سوره انعام (آیات ۹۶ و ۹۷) چنین آمده است: «او آن توانائی است که ستارگان را برای بهره برداری شما آفرید تا بوسیله آن در تاریکیهای بیابان و در تاریکیهای دریا راه یابید. حقاً این آیه ها را برای گروهی که میدانند بیان کردیم. او آن توانائی است که شما را از یکتن ایجاد کرد پس فرار گاهی است و محل ودیعتی است. محققاً این آیه ها را برای گروهی که دریابند بیان کرده ایم.»

اشکال ما در کوچکی عقل و فهم ماست. کودکی در کنار دریا سوراخی در ماسه کنده بود و با سطل، آب دریا را در آن میریخت. رهگذری از وی پرسید «چکار میکنی؟» پسر جواب داد «میخواهم دریا را خالی کنم.» مغز و دانش ما نمیتواند علوم فضای بعید را در خود بگنجاند. «خداوند میفرماید: فکرهای من فکرهای شما نیست، و راههای من هم راه

های شما نیست. به همان اندازه که آسمان بلندتر از زمین است، راه های من نیز از راه های شما و فکرهای من از فکرهای شما بلندتر و برتر است.» (اشعیا ۵۵:۸-۹).

گوینده و رهبر خداوند است. ما مطیعان و بندگان وی هستیم. در باره حضرت ابراهیم حنیف چنین آمده است: «ای پیغمبر بیاد آر. آندم که پروردگار ابراهیم باو گفت تسلیم محض شو، ابراهیم گفت تسلیم پروردگار جهانیان شدم.» (سوره بقره آیه ۱۳۱).

از فضای بعید، چه خبری به ما می‌رسد؟ «آسمان از شکوه و عظمت خدا حکایت می‌کند و صنعت دستهای او را نشان می‌دهد. روز و شب حکمت خدا را اعلام می‌نمایند، و بی آنکه سخنی بگویند، ساکت و خاموش پیام خود را به سراسر جهان می‌رسانند. آفتاب هر صبح از خانه ای که خدا برایش در آسمان قرار داده است مانند تازہ دامادی خوشحال و مانند فهرومانی که مشتاقانه منتظر دویدن در میدان است، بیرون می‌آید. از یک سوی آسمان به سوی دیگر می‌شناهد، و حرارتش همه جا را فرا می‌گیرد.» (مزمور ۱۹:۱-۶).

حال یک سؤال پیش می‌آید: اگر خداوند آن همه کرات و ستارگان و آسمانها را آفرید، چه احتیاجی به دنیای دیگری داشت و این کره زمین را چرا آفرید؟ جوابی که از فضای بعید به فرستاده پروردگار آمد از این قرار است: «خداوند آسمانها و زمین را آفریده و آنها را استوار نموده است. او جهان را بیهوده نیافریده، بلکه برای سکونت و زندگی آن را ساخته است. او می‌فرماید: من خداوند هستم و دیگری نیست!» (اشعیا ۴۵:۱-۸).

نوع بشر با اختیار در انتخاب آفریده شده. وی آزادانه پیروی از ابلیس را انتخاب نموده به بلای گناه افتاد. چون راه خود را بجای راهی که خداوند نمایان کرده بود

انتخاب کرد در قعر جهالت و نومیدی و بدبختی دچار شد. وقتی که اپالو ۱۳ عازم ماه بود از راه خود منحرف شد. اپالو فقط یک راه نجات داشت - و آن اطاعت از مرکز خود بود. همچنین انسان نیز فقط یک مرکز یا واسطه نجاتبخش دارد، تماس گرفتن با مرکز آفرینش خودش - یعنی خداوند مهربان زمین و آسمان. خداوند انسان را تنها نمیگذارد تا به بلای دنیوی دچار شوند، مگر اینکه شخص خود قلبش را به چیزهای دنیوی تسلیم کند. خداوند قبل از آفرینش نوع بشر راه نجاتی برای بشر ایجاد کرده بود. دعای ما، خواهش ما از پروردگار مهربان باید از این قرار باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. الرحمن الرحيم. مالك يوم الدين.  
اياك نعبد و اياك نستعين. اهدنا الصراط المستقيم - صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولاالاضالين.

در خاتمه یک بند از سرودی برایتان میخوانم:

همیشه بهر جای خوانم ترا  
زخورشید و ماه و هم از اختران  
برای عطایای بی حد تو  
کنم با دل و جان همی حمد تو.